

اشرف دهقانی

در ورای نسل کشی اسرائیل کدام منافع اقتصادی؟

برخلاف آنچه امپریالیسم آمریکا و شرکاء و نیروهای پرو امپریالیست در پشتیبانی از اقدامات جنایتکارانه دولت صهیونیستی اسرائیل علیه مردم غزه جلوه می‌دهند، حملات سرکوبگرانه و جنایتکارانه دولت صهیونیستی اسرائیل به مردم فلسطین و اقدام به بمباران‌ها و کشتارهای وحشیانه فلسطینی‌ها از 7 اکتبر 2023 شروع نشده است. به واقع، جنایات صهیونیست‌ها علیه مردم فلسطین جهت اشغال سرزمین آنان حتی قبل از تشکیل دولت اسرائیل توسط گروه‌های تروریستی که بعداً ستون اولیه ارتش تجاوزکار کنونی دولت اسرائیل را تشکیل دادند آغاز و با توسل به جنایات وحشیانه علیه این مردم دنبال شد. پس از تشکیل دولت صهیونیستی اسرائیل نیز تاکنون روزی نبوده است که این دولت و البته با پشتیبانی آشکار و صد در صدی امپریالیسم آمریکا، خلق محروم فلسطین را در اشکال مختلف مورد ظلم و ستم و حملات وحشیانه خود قرار نداده باشد.

اما اگر 7 اکتبر، مبداء اشغال‌گری سرزمین فلسطینی‌ها توسط اسرائیل و مبداء جنایات صهیونیست‌ها علیه مردم فلسطین نیست ولی این تاریخ مبداء نسل‌کشی فلسطینی‌های ساکن غزه توسط دولت صهیونیستی اسرائیل جهت اشغال این بخش از سرزمین فلسطین با توجیه مقابله با حماس می‌باشد. 7 اکتبر 2023 تاریخ روزی است که حماس، نیروی ضد خلقی و بنیادگرای اسلامی (نظیر بقیه گروه‌ها و جریان‌های بنیادگرای اسلامی در منطقه خاورمیانه) که قبل از جنگ اخیر سال‌ها بر مردم غزه حکمرانی می‌کرد، دست به یک حمله سازمان یافته بزرگ علیه دولت اسرائیل و مردم غیرنظامی اسرائیلی تحت نام "طوفان الاقصی" زد. براساس برخی گزارشات، در جریان این حمله حدود 1200 نفر که اکثرشان غیر نظامی بودند (حدود 695 نفر) کشته شدند و حدود ۲۵۰ نفر و از جمله 30 کودک نیز به گروگان گرفته شدند. حماس تنها در یک حمله به یک جشنواره موسیقی (جشنواره موسیقی نوا) در جریان طوفان الاقصی 364 نفر غیرنظامی را کشت و تعدادی را نیز زخمی به جا گذاشت. این حمله بی‌سابقه و به خصوص کشتن افراد غیرنظامی و گروگان‌گیری کودکان که برای افکار عمومی در جهان به هیچوجه قابل قبول نیست، همانطور که همگان شاهد هستند، آشکارا زمینه‌ای برای دولت اسرائیل فراهم نمود تا سیاست اشغال غزه را با دست زدن به وحشیانه‌ترین جنایات علیه کودک و زن و مرد فلسطینی در این بخش از سرزمین فلسطین با توجیه مقابله با حماس و گویا حفظ امنیت خود پیش ببرد.

به واقع دولت اسرائیل برای این که زمینه و توجیه لازم را جهت بیرون راندن فلسطینی‌ها از غزه و اشغال این سرزمین با توسل به بمباران‌های وحشیانه و کشتار بی‌رحمانه مردم غزه را به دست آورد به چنان حمله‌ای از طرف حماس نیاز داشت. از طرف دیگر با رجوع به شواهد، مدارک و اسناد مختلف معلوم شده است که حمله "طوفان الاقصی" حماس در 7 اکتبر به اسرائیل طبق یک برنامه توطئه‌گرانه با آگاهی خود مقامات بلند پایه اسرائیلی صورت گرفت. در اینجا می‌توان به برخی از شواهد و مدارک و اسناد مربوطه اشاره کرد:

اولین مورد، انتشار بیانات یک مقام امنیتی مصر است که گفت پیش از حمله "طوفان الاقصی" حرکات مشکوک حماس و امکان چنان حمله‌ای را به مقامات اسرائیل اطلاع داده بود. بر این مینا خبرگزاری‌ها در سطح جهان سه روز بعد از حمله "طوفان الاقصی" اعلام کردند که یک مقام امنیتی مصر حمله بزرگ حماس به اسرائیل را به مقامات امنیتی اسرائیل هشدار داده بود. العربیه در 11 اکتبر 2023 نوشت: "رویترز به نقل از رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا روز چهارشنبه 19 مهر گزارش داد که اسرائیل سه روز قبل از این که حماس نیروهای اسرائیلی را در یک حمله گسترده غافلگیر کند از مصر در مورد خشونت احتمالی هشدار دریافت کرده است". این خبرگزاری افزود: "مایکل مک کال، نماینده جمهوری خواه پس از یک نشست اطلاعاتی پشت درهای بسته برای قانون‌گذاران درباره بحران نوار غزه گفت "ما می‌دانیم که مصر سه روز قبل به اسرائیلی‌ها هشدار داده بودند که چنین رویدادی ممکن است رخ دهد" و گفت: "من نمی‌خواهم زیاد وارد اطلاعات طبقه‌بندی شوم اما هشدار داده شده".

بی بی سی نیز در 11 اکتبر 2023 گزارش داد که: "مقام‌های اطلاعاتی مصر می‌گویند سه روز قبل از آغاز حمله بی‌سابقه و گسترده حماس به اسرائیل، نهادهای اطلاعاتی مصر به اسرائیل از یک جنبش و جوش گسترده و "عملیاتی بزرگ" از داخل غزه "هشدار" داده بودند. اما طرف اسرائیلی این هشدارها را "جدی" نگرفته است". ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران در حالی که خبر فوق را تکذیب می‌کرد در همین زمان مطرح کرد: "این مقام امنیتی مصری به تایمز اسرائیل گفت: ما به آنها هشدار دادیم که یک انفجار وضعیت در راه است، خیلی زود و بزرگ هم خواهد بود. اما آنها چنین هشدارهایی را دست کم گرفتند".

این امر که چرا مقامات امنیتی اسرائیل به چنان هشدارهایی توجه نکرده بودند، بدون شک جای سؤال جدی باقی می‌گذارد و هشدارهای دیگر توسط سربازان اسرائیل و موارد دیگر این امر را که آن حمله با آگاهی خود مقامات اسرائیل ترتیب داده شده بود را تأیید می‌کند. سربازان اسرائیلی که متوجه فعل و انفعالات یا به زبان دیگر رفت و آمدها و عملیات مشکوک حماس شده بودند، موضوع را به افسر ارشد خود گزارش داده بودند که در این مورد نیز به شواهد ارائه شده توجهی نشد (هاآرتص ۱۱ نوامبر ۲۰۲۳). علاوه بر این‌ها از دیوار "آهینی" باید گفت که اسرائیل با صرف میلیون‌ها دلار به دور غزه کشیده بود. این دیوار با دروین‌ها و نگهبانانی مجهز بود که

به گفته خودشان به ارتش اسرائیل امکان می‌داد هر حرکتی حتی بسیار کوچک را شناسائی کند. ولی این که چرا در این مورد کار به نفع حمله حماس تمام شده و ارتش اسرائیل چشم بسته بوده و هیچ حرکت مشکوکی را در نزدیکی این دیوار مشاهده نکرد باز حکایت از مشکوک بودن این قضیه می‌کند. این مورد نیز دلالت بر آگاهی پیشاپیش مقامات عالی‌رتبه اسرائیل از آن حمله دارد. اینها فقط یک گوشه از همکاری حماس با دولت اسرائیل می‌باشد، نیروئی که در طول حاکمیت‌اش نیز حد دشمنی خود با مردم فلسطین را نشان داده بود.

حماس گرایشی از یک نیروی شناخته شده ضد مردم تحت ستم خاورمیانه به نام اخوان‌المسلمین می‌باشد. حماس درست زمانی پر و بال گرفت که مبارزات مردم فلسطین علیه اسرائیل رو به رشد بود که منجر به "انتفاضه" اول توده‌های شجاع فلسطینی علیه دولت صهیونیستی اسرائیل گردید که در سال 1987 در جبالیا در نوار غزه در اعتراض به زیر گرفته شدن چند کارگر فلسطینی توسط یک کامیون اسرائیلی آغاز شد. هم‌زمانی رشد و گسترش مبارزات مردم فلسطین علیه اسرائیل و پر و بال گرفتن حماس در این مقطع را به هیچوجه نمی‌توان یک اتفاق و بدون ارتباط با رشد و اوج گیری مبارزات مردم فلسطین و تلاش دشمنان برای توسل به یکی از ابزارهای خود (بنیادگرایی اسلامی) جهت مقابله با مبارزات توده‌ای ستمدیدگان فلسطینی به حساب نیاورد. بنیان‌گذاران و سرکردگان حماس به طور عمده زندانیان سابق زندان‌های اسرائیل بودند که در مراحل مختلف بویژه در دهه 80 و انتفاضه اول توسط خود اسرائیل جهت تشکیل حماس از زندان آزاد شدند و به منظور نفوذ در جنبش انقلابی توده‌ها برای آنها قدرت مانور و فضا ایجاد شد. هدف دولت صهیونیستی اسرائیل از کمک به شکل‌گیری حماس آن بود که این جریان سیاسی به مثابه یک نیروی مرتجع پرچم ظاهراً مبارزه با اسرائیل را خود به دست گرفته و به تضعیف نیروهای چپ و دموکرات فلسطینی که با همه ضعف‌هایشان به هر حال نیروهای واقعی مبارز ضد دولت صهیونیستی و اشغالگر اسرائیل بودند بپردازند. در این زمینه می‌توان به کتاب روبرت دریفوس به نام "Devil's Game" (بازی شیطان) اشاره کرد که به نقش دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل در تقویت حماس به عنوان یک نیروی اسلامی که می‌تواند قدرت فتح و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO) را کاهش دهد، اشاره نمود. در آنجا مطرح شده است که این سیاست دولت اسرائیل در یک مورد برجسته و به طور مشخص مربوط به آزادی **شیخ احمد یاسین**، بنیان‌گذار و رهبر معنوی حماس می‌باشد. این فرد در سال 1984 به دلیل داشتن سلاح و رهبری یک گروه مسلح دستگیر و به زندان محکوم شد، اما در سال 1985 در چارچوب یک معامله مبادله زندانیان آزاد شد. در همین کتاب تأکید شده است که این آزادی در حالی بود که دولت اسرائیل با زندانیان دارای اتهام مسلحانه متعلق به جریان‌های نظیر ساف و یا سازمان‌های چپ و مترقی به وحشیانه‌ترین شکلی برخورد می‌کرد. با آزادی شیخ یاسین حماس به گروهی تبدیل شد که به تدریج به صورت یکی از رقبای جدی فتح در آمد. مطالبی نظیر آنچه در کتاب **روبرت دریفوس** عنوان شده است در مقاله‌ای در نشریه وال‌استریت ژورنال نیز که در دهه ۱۹۸۰ منتشر شد، دیده می‌شود. در آنجا به طور ضمنی به نقش اسرائیل در تقویت حماس به عنوان یک نیروی اسلام‌گرا اشاره شده است. علاوه بر این در همین نشریه در سال 2009 مقاله‌ای با عنوان "چگونه اسرائیل به پدیداری ناگهانی حماس کمک کرد" (How Israel Helped to Spawn Hamas By Andrew Higgins Jan. 24, 2009) درج شد که با رجوع به آن می‌توان به وضوح سیاست ضد خلقی اسرائیل برای تضعیف جنبش انقلابی مردم فلسطین از طریق تقویت نیروهای ارتجاعی مثل حماس را متوجه شد.

در این مقطع حماس با کمک نیروهای ضد خلقی منطقه مانند امارات متحده عربی و قطر و همچنین جمهوری اسلامی و با منابع مالی که از این نیروها دریافت می‌کرد به منظور جلب توجه مردم به سوی خود و نیروگیری، به کارهای خیریه برای مردمان در فقر نگاه داشته شده فلسطین و هم‌زمان اشاعه نظرات و ایدئولوژی منحط خود با نام اسلام در میان مردم پرداخت. حماسی‌ها اگر چه فلسطینی بودند ولی همانند کردهای خائن به مردم کرد که در کردستان از آنها به نام "جاش" نام برده می‌شود علیه مردم فلسطین عمل می‌کردند.

انتفاضه اول در سال 1991 با سازش رهبری در صحنه (یاسر عرفات) با دولت اسرائیل تحت نخست وزیر اسحاق رابین طی پیمان اسلو پایان یافت. طبق پیمان اسلو که با میانجی‌گری بیل کلینتون، رئیس جمهور وقت آمریکا صورت گرفت ظاهراً "طرح دو دولتی" که مورد قبول بخشی از نیروهای سازشکار در میان نیروهای سیاسی فلسطینی بود متحقق شد؛ و دولت خودگردان فلسطین در منطقه کرانه باختری و نوار غزه تشکیل گردید. اما، این ظاهراً دولت به هیچوجه به معنی تشکیل یک دولت دارای ارتش و دیگر ملزومات یک دولت واقعی نبود. بگذریم از این که حتی اگر چنین هم بود صرف اختصاص بخشی از سرزمین فلسطینی‌ها به دولتی که با اراده آزاد مردم جهت تأمین منافع آنان بر سر کار نیامده بود، نمی‌توانست خواست‌های بر حق و انقلابی آنان را متحقق سازد. در واقعیت امر نیز با ظاهراً تشکیل دولت خاص فلسطینیان (دولت خودگردان فلسطین) گرهی از درد و رنج مردم این منطقه گشوده نشد و فقر و فلاکت و مصیبت‌هایی که مردم دست به گریبان‌اش بودند و سرکوب‌ها پایان نیافت. بنابراین مردم تحت ظلم و ستم و سرکوب و در عین حال شجاع فلسطین یک بار دیگر به پا خاستند و انتفاضه دیگری علیه دولت اسرائیل بر پا نمودند که خود آشکارا بیانگر و انعکاس شکست طرح دو دولتی مطرح و ورشکستی پیمان اسلو بود. اگر در انتفاضه اول، عمده سلاح ستمدیدگان فلسطین سنگ و تیر و کمان بود، در انتفاضه دوم که در سال 2000 یعنی حدوداً نه سال بعد از پیمان اسلو و پایان انتفاضه اول برپا شد رزمندگان خود را به سلاح گرم مجهز کرده و دست به مبارزه مسلحانه علیه دشمن یعنی دولت صهیونیستی اسرائیل زدند. انتفاضه دوم علیرغم همه حملات خونین دشمن قسم خورده فلسطینی‌ها، توسط مردم فداکار و شجاع و رزمنده فلسطین پنج سال طول کشید. در این مدت حماس فرصت نیروگیری و سازماندهی خود را یافته

و با پایان انتفاضه دوم در سال 2005 با منشوری مبتنی بر مخالفت با طرح دو دولتی و نابودی اسرائیل وارد صحنه سیاست شد.

حماس از سال 2007 پس از آن که در جریان یک انتخابات مهندسی شده بر سازمان الفتح غلبه کرد، حاکمیت در غزه و کنترل توده‌های فلسطینی ساکن این منطقه در اختیارش قرار گرفت. لازم است بدانیم که هزینه تبلیغات انتخاباتی به نفع حماس را دولت قطر که سرسپردگی آن به امپریالیسم آمریکا و دشمن خلق‌های خاورمیانه بدون اطمینان از این که و به نفع آن عمل می‌کرد. پس از به دست گرفتن قدرت سیاسی توسط حماس در غزه، دولت قطر همچنان به پشتیبانی خود از حماس ادامه داد. در یک مورد این دولت در سال 2012 بنا به اخبار خبرگزاری‌های رسمی مبلغ 400 میلیون دلار در اختیار حکومت حماس قرار داد.

جمهوری اسلامی نیز به نوبه خود همه نوع امکانات شامل پول و اسلحه از خوان یغمای ثروت‌های ملی مردم گرسنه ایران را برای تحکیم حاکمیت حماس در غزه در اختیار آن قرار می‌داد. شکی نیست که نه قطر و نه جمهوری اسلامی، این سرسپردگان به امپریالیسم آمریکا و دشمن خلق‌های خاورمیانه بدون اطمینان از این که حماس در جهت سیاست‌های امپریالیستی و صهیونیستی حرکت می‌کند، دست به چنین اقدامی نمی‌زدند. مثلاً با تمرکز روی جمهوری اسلامی با توجه به شناخت از ماهیت ضد خلقی این رژیم واضح بوده و هست که این رژیم آگاهانه به تغذیه و تقویت نیروی می‌پرداخت و می‌پردازد که دقیقاً یک نیروی مرتجع نظیر خود آن با ادعای ضد امپریالیسم و ضد صهیونیسم علیه توده‌های واقعاً ضد امپریالیست و علیه نیروهای کمونیست و دموکرات در خاورمیانه می‌باشد. همانطور که جمهوری اسلامی با دست‌ودلبازی تمام یک جریان بنیادگرای دیگر در لبنان که این یکی تماماً توسط خود وی موجودیت یافته و ساخته شده است یعنی حزب‌الله را نیز تغذیه و تقویت می‌کند. بر این مبناست که مردم گرسنه و دچار فقر و فلاکت ایران در جریان برخی از تظاهرات خود فریاد می‌زنند: "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران"، هر چند که ممکن است برخی یا بیشتر آنان ندانند که آن پول‌ها نه برای مردم تحت ستم غزه و لبنان بلکه برای جریانات و حاکمین ضد خلقی هم‌ماهیت با خود جمهوری اسلامی ارسال می‌شود. بدون شک تعمق روی همین واقعیات نیز هر انسان واقع بین را باید به شناخت از ماهیت حماس رهنمون سازد.

حماس پس از در دست گرفتن قدرت سیاسی در غزه عهده‌دار کنترل مبارزات توده‌ها شد و از هرگونه مبارزه توده‌های فلسطینی علیه اسرائیل جلوگیری کرد. اگر قبل از سلطه حماس بر غزه مردم جهان شاهد انتفاضه‌های سلحشورانه توده‌های شجاع فلسطینی بودند، از آن زمان به بعد در شرایطی که مردم فلسطین ظاهراً صاحب دولتی از آن خود در دو بخش کرانه غربی و نوار غزه شده بودند، مردم جهان نه شاهد انتفاضه و نه مبارزات توده‌ای خاصی از طرف این توده شدیداً تحت ظلم و ستم علیه اسرائیل گشتند. قابل تأکید است که حکومت خودگردان فلسطین با ریاست محمود عباس که آشکارا نقش پلیس علیه مردم تحت ستم فلسطینی برای تأمین امنیت دولت اسرائیل را بر عهده گرفته است و به کنترل مبارزات توده‌ها به نفع اسرائیل در یک بخش دیگر از سرزمین فلسطین (در کرانه غربی) می‌پردازد، مانع بزرگ دیگری در مقابل گسترش مبارزات توده‌ای ستمدیدگان فلسطین علیه اسرائیل بوده‌است.

گزارشی از چگونگی برخورد حاکمین غزه و کرانه باختری به مردم ساکن این مناطق در سال 2018 از طرف سازمان حقوق بشر عفو بین‌الملل بخش خاورمیانه و آفریقای شمالی به شرح زیر است:

"مقامات فلسطینی در کرانه باختری و حماس در نوار غزه به سرکوب آزادی بیان و تجمعات صلح‌آمیز ادامه می‌دهند. مأموران به دستگیری‌های سرکوبگرانه و زندانی کردن کسانی که حکومت را مورد انتقاد قرار می‌دهند می‌پردازند. شکنجه و رفتارهای ناهنجار به طور وسیع در بازداشتگاه‌ها به امری عادی تبدیل شده است ... زنان، هم در کرانه غربی و هم در غزه مورد خشونت و تبعیض قرار دارند. دادگاه‌های غزه همچنان به دادن محکومیت اعدام ادامه می‌دهند." <https://www.amnesty.org/en/documents/mde21/9912/2019/en>

در گزارشات دیگر سازمان حقوق بشر عفو بین‌الملل نیز در رابطه با سیاست سرکوب و کنترل اجتماعی توسط حکومت حماس مطرح شده است که: "حماس علاوه بر سرکوب اعتراضات اقتصادی، کنترل شدیدی بر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در غزه اعمال کرده است. منتقدان داخلی و کسانی که از سیاست‌های حماس انتقاد می‌کنند، معمولاً با تهدید، بازداشت یا با برخوردهای شدید امنیتی مواجه می‌شوند. بر اساس گزارش‌های مختلف، حماس از دستگاه‌های امنیتی خود برای سرکوب مخالفت‌های داخلی استفاده کرده است، حتی اگر این مخالفت‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی باشد."

حماس که با پز مخالفت با راه حل دو دولتی، خود را نیروی مخالف سرسخت دولت اسرائیل معرفی کرده بود وظیفه داشت به جای توده‌ها خود عملیاتی را علیه اسرائیل انجام دهد. بر این مبنای این نیروی بنیادگرای اسلامی حاکم بر مردم غزه دست به تونل‌سازی و انبار کردن اسلحه که از طرف نیروهای مرتجع و ضد خلقی منطقه و از جمله جمهوری اسلامی در ایران برای وی ارسال می‌شد، زد و در غیاب توده‌های باز داشته شده از مبارزه به موشک پرانی به طرف اسرائیل اقدام می‌نمود. البته علیرغم تشکیل دولت حماس دولت فاشیست اسرائیل با محاصره همه جانبه غزه و به دست گرفتن کنترل ورود و خروج به دریای آزاد، سلطه خود را در این حوزه برای خود حفظ کرده بود، امری که در عین حال غزه را برای ساکنین تحت سلطه آن به زندانی روباز تبدیل کرده بود.

اکثریت مردم غزه تحت حکومت حماس در فقر و تنگدستی به سر برده و مصیبت‌های زیادی را متحمل می‌شدند؛ و این در حالی بود که این حکومت از طرف پشتیبانان مرتجع خود در منطقه پول‌های کلانی دریافت می‌کرد، علاوه بر این، مردم غزه از طرف این نیروی بنیادگرای اسلامی با ایدئولوژی ارتجاعی‌اش متحمل فشارهای سیاسی و اجتماعی نیز بودند. در این میان به عنوان یکی از اولین اقدامات حماس پس از سلطه بر مردم غزه باید به اجباری کردن حجاب برای زنان و به عبارتی دیگر بر بستن غل و زنجیری باز هم بیشتر به دست پای آنان علاوه بر ستم‌های طبقاتی تأکید کرد. ستم بر زنان بر اساس "شریعت اسلام" و تبعات ناشی از آن را مردم تحت ستم کشور ما و به خصوص زنان ایران با همه وجود درک می‌کنند.

بر اساس گزارشات منتشر شده توسط خبرگزاری‌های جهان، قبل از جنگ اخیر، مردم غزه به دلیل اعمال مجموعه فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر آنان بارها دست به عصیان زده و علیه حاکمین حماس شوریده و تظاهرات برپا کرده بودند که ویدئوهای مربوطه نیز در فضای مجازی پخش شدند. یکی از نمونه‌های برجسته این اعتراضات در مارس ۲۰۱۹ بود که به عنوان "بدنا نعیش" (به معنای "ما زندگی می‌خواهیم") شناخته شد. این اعتراضات علیه وضعیت دشوار اقتصادی، فقر، و بیکاری گسترده در غزه آغاز شد. در همین رابطه سازمان‌های حقوق بشری از جمله دیدبان حقوق بشر و عفو بین‌الملل گزارش دادند که نیروهای امنیتی حماس این اعتراضات را به شدت سرکوب کردند؛ و مطرح شد که نیروهای امنیتی تظاهرکنندگان را مورد ضرب و شتم قرار داده، بازداشت‌های گسترده‌ای انجام دادند و مانع از تجمعات بیشتر شدند. همچنین گزارش‌هایی از تهدید و بازداشت خبرنگاران و فعالان اجتماعی که این اعتراضات را پوشش می‌دادند، منتشر شد. اما نزدیک ترین اعتراضات توده‌ای قبل از 7 اکتبر در ماه جولای 2023 صورت گرفت که بر اساس گزارشات خبرگزاری‌های مختلف طی آن هزاران نفر از مردم از جمله در شهر غزه و در شهر جنوبی خان یونیس علیه حاکمیت حماس به خیابان ریختند. آنها به شرایط زندگی دشوار خود، قطع مدام برق و گاز معترض بودند. مأموران حکومت به سرکوب این تظاهرات پرداخته و تعدادی را دستگیر کردند. لوموند فرانسه هم در 30 جولای همان سال در مورد خیزش مردم نوار غزه علیه حماس نوشت که "در یک مورد تظاهرکنندگان ضمن دادن شعار، پرچم حماس را سوزاندند. پلیس‌ها در خان یونیس ضمن سرکوب تظاهرکنندگان تلفن‌های موبایل کسانی که از تظاهرات فیلم می‌گرفتند را شکستند. در این تظاهرات فریاد زده می‌شد کجاست برق؟ کجاست گاز؟ مردم همچنین حکومت حماس را به دلیل کاهش 100 دلار به 15 دلار که توسط دولت قطر به خانواده‌های بسیار فقیر غزه اختصاص داده شده بود مورد حمله قرار دادند."

مسئله این واقعیت را نمی‌توان از نظر دور داشت که نوار غزه تحت محاصره اسرائیل و مصر قرار داشت و آنها به لحاظ اقتصادی شرایط بس دشواری در نوار غزه به وجود آورده بودند. اما ضمن در نظر گرفتن این واقعیت باید به فساد مالی در درون حکومت و حیف و میل پول‌های رسیده توسط حاکمین حماس که در گزارشات به خصوص سازمان‌های حقوق بشر به آن اشاره شده است توجه داشت. به خصوص باید بر این واقعیت تأکید کرد که فقر و تنگدستی در شرایطی بر مردم غزه تحمیل شده بود که سرکردگان حماس در طی سال‌ها حکومت بر این مردم بر اساس گزارشات مختلف سالیانه صدها میلیون دلار "با موافقت دولت اسرائیل و تحت نظارت بنیامین نتانیاهو رئیس این دولت به نوار غزه و به دست دولت آن، حماس می‌رسید. از جمله در سال ۲۰۱۸ قطر پرداخت ماهانه حدود ۱۵ میلیون دلار به نوار غزه را آغاز کرد. بنابر گزارش‌های متعدد از جمله گزارشی که اخیراً شبکه سی‌ان‌ان منتشر کرد، پول‌های فرستاده شده توسط دولت قطر با چمدان ابتدا به اسرائیل و سپس به نوار غزه می‌رسید." (رادپو فردا، 21 آبان 1403)

در رابطه با ارسال پول از قطر به حکومت حماس با موافقت دولت اسرائیل و تحت نظارت بنیامین نتانیاهو رئیس این دولت، اگر بر این واقعیت که امروز دیگر بر همگان آشکار است تکیه کنیم که دولت اسرائیل با توجه به شدت خصلت فاشیستی‌اش پایبند هیچ قانون بین‌المللی که به نفع‌اش نباشد نیست، پس این سؤال مطرح می‌شود که این دولت چگونه امکان می‌داد که چنان پول‌هایی به دست حماس که ظاهراً دشمن‌اش بود و علیه‌اش می‌جنگید برسد؟ این واقعیت نمونه و فاکت دیگری است که آشکارا نشان می‌دهد که علیرغم همه ظواهر امر، موجودیت و حاکمیت حماس در غزه در مغایرت با منافع دولت اسرائیل نبود. البته درک این سیاست به واقع پیچیده برای همگان و به طور مشخص شهروندان و حتی اعضای ساده احزاب حاکم بر اسرائیل آسان نبود. این امر که از یک طرف به حماس امکان پول رسانی فراهم می‌کنی و از طرف دیگر آن را دشمن خود می‌نامی موجب سردرگمی و یا انتقاداتی در درون خود اسرائیل می‌گشت. بیهوده نیست که در مارس 2019 نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در ارتباط با ظاهراً تناقض فوق، به اعضای کنست حزب لیکود یعنی حزب خودش گفت: "هر کسی که می‌خواهد تشکیل یک کشور فلسطینی را خنثی کند، باید از تقویت حماس و انتقال پول به حماس حمایت کند. این بخشی از استراتژی ماست."

اکنون، با بازگشت به جنایات اسرائیل در حق مردم غزه با دستاویز حمله 7 اکتبر، به این امر بپردازیم که هدف اسرائیل از بمباران‌های وحشیانه غزه و کشتارهای بی‌امان مردم این سرزمین چیست و این جنگ صهیونیستی-امپریالیستی در چه شرایطی رخ می‌دهد.

بر همگان آشکار است که صهیونیست‌ها از آغاز، اشغال و تصاحب کامل سرزمین مردم فلسطین را هدف خود قرار داده‌اند. امروز نیز بیش از پیش آشکار شده است که صهیونیست‌ها از دست زدن به جنگ کنونی، اشغال کامل غزه را دنبال می‌کنند. با این حال ضرورت تحلیل مشخص از شرایط مشخص ارجاب می‌کند که شرایط و ضرورت‌هایی که در حال حاضر باعث دست زدن دولت اسرائیل به یک جنگ وحشیانه علیه مردم غزه گشته

است را به طور مشخص مورد بررسی قرار داد. در این بررسی به خصوص باید دید که چه اجباری و به واقع کدام منافع، انگیزه این دولت در تداوم جنگ کنونی است. می‌دانیم که دولت اسرائیل علیرغم مخالفت شدید مردم آزادیخواه در سراسر دنیا و رسوائی‌های غیرقابل انکاری که این جنگ نه فقط برای خود اسرائیل بلکه برای همه دولت‌های امپریالیستی مدافع‌اش به وجود آورده و چهره فاشیسم را در رابطه با این دولت‌ها برای آنان تداعی می‌کند، باز به این جنگ ادامه می‌دهد.

در اینجا در برخورد مشخص به جنگ جاری باید واقعیتی را به حساب آورد که مربوط به فاکتوری راجع به رشد هر چه شدیدتر تضاد در میان امپریالیست‌ها است که در یک مورد برجسته خود را در تضاد امپریالیست‌های آمریکا و روسیه و بستن عرضه گاز روسیه به روی کشورهای اروپائی (در سال 2022) آشکار ساخته است. در چنین شرایطی است که برای نیروهای رقیب روسیه جبران این امر و جهت به دست گرفتن صدور گاز به اروپا، منابع گاز در آب‌های مدیترانه ساحل غزه مورد توجه قرار گرفت. بنابراین در میان دولت‌های وابسته به امپریالیسم آمریکا، دولت صهیونیستی اسرائیل همان نیروئی بود که پس از قطع شدن گاز روسیه به اروپا آماده شد تا با بستن یک قرارداد با اتحادیه اروپا خود را به یکی از تأمین‌کنندگان اصلی گاز بشناساند. در پرونده‌ای دولت اسرائیل توسعه "آب‌های غزه"، یعنی نوار آبی در سواحل غزه که به تخمین حاوی حدود ۱ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی است را در ژوئن ۲۰۲۳ تصویب کرد و اعلام شد که به گفته یکی از شرکت‌های مربوطه به نام "Offshore Technolog" با توجه به این که آب‌های غزه برای استخراج نفت و گاز نسبت به میادین نفت و گاز موجود اسرائیل به ساحل نزدیک‌تر است استخراج آن ارزان‌تر بوده و 2.4 میلیارد دلار سود خواهد داشت. در ۲۹ اکتبر 2023، وزارت انرژی اسرائیل ۱۲ مجوز را برای ۶ شرکت برای اکتشاف ذخایر گاز طبیعی در منطقه‌ای در مجاورت خط ساحلی غزه تأیید کرد که شرکت چند ملیتی نفت و گاز بریتانیائی (BP plc) و غول انرژی ایتالیائی (Eni) از آن جمله بودند (نقل از تایمز اسرائیل).

اما در مقابل دولت اسرائیل جهت اجرای این پروژه یک مانع جدی وجود داشت و آن وجود فلسطینی‌های غزه بود. با به رسمیت شناخته شدن نوار غزه به عنوان بخشی از کشور فلسطین و بر اساس قوانین بین‌المللی، مرزهای دریایی مورد نظر با منابع نفت و گاز در انحصار غزه بود که البته دولت غزه یعنی حماس از سال‌ها پیش توسط دولت اسرائیل از بهره‌برداری از آن منع شده بود.

با تکیه بر آموزش مارکس که باید در پشت هر سخن و حرکتی منافع پشت آن را ملاحظه کرد، در اینجا نیز می‌توان دید که در پشت حملات وحشیانه دولت اسرائیل به مردم غزه چه منافع اقتصادی متعلق به سرمایه‌داران خونخوار نهفته است. همگان دیدند که دولت صهیونیستی اسرائیل با بیش‌رمی و وقاحت تمام حتی از بیماران بیمارستان‌ها و مدارس در غزه نیز اجتناب نکرد و علیرغم خشم و نفرت مردم سراسر دنیا نسبت به خود به این اعمال جنایتکارانه و به نسل‌کشی و ایجاد صحنه‌های بسیار جنایتکارانه به خصوص در حق کودکان تداوم داد و می‌دهد. این دولت اکنون چهره به غایت فاشیستی از خود در مقابل انظار جهانیان به نمایش گذاشته است. کسی فراموش نکرده است که یکی از اعضای کابینه نتانیاهو در اشاعه فاشیسم صهیونیست‌ها حتی کار را به جانی رساند که مردم فلسطین را "حیوان" خطاب کرد. البته این اظهار، دولت صهیونیستی حاکم را بیش از پیش مورد نفرت و خشم مردم جهان قرار داد. در همین رابطه سردبیر نشریه هآرتص منطق پشت این فاشیسم را اینگونه توضیح داد که از نظر نتانیاهو و دولت اسرائیل گویا یهودی‌ها (به خوان صهیونیست‌ها) به لحاظ انسانی با فلسطینی‌ها یک‌سان نیستند چون قومی برگزیده خدا و برترند و چون فلسطینی‌ها انسان‌هایی همانند صهیونیست‌ها نیستند پس حقوق بشر در مورد آنها موضوعیت ندارد. به راستی که جز چشم انداز منافع بس کلان در آب‌های ساحلی غزه قادر به توضیح جنگ کنونی اسرائیل علیه مردم غزه، کودک‌کشی و جنایات دیگر این دولت صهیونیستی نیست. آری درست چشم‌انداز دست‌یابی به چنان منافع است که امروز دولت اسرائیل را بر آن داشته که با اعمال فاشیستی خود شانه به شانه فاشیسم هیتلری بزند و با جنایات خود به واقع هولوکاست نازی‌ها را در ابعاد تازه برای مردم جهان زنده و یادآور گردد.

بنابراین، جای تردید نیست که هدف جنگ اخیر اسرائیل با مردم فلسطین در نوار غزه در درجه اول از بین بردن و بیرون راندن مردمان این قطعه از خاک فلسطین می‌باشد تا با اشغال غزه و به قول خود با تغییر جغرافیای منطقه شرایط را برای دسترسی به منابع نفت و گاز سواحل دریائی این منطقه برای خود فراهم نماید. جالب توجه است که همین هدف، به گزارش ویکی‌لیکس و هآرتص، یک هفته پس از حمله 7 اکتبر حماس از طرف وزارت اطلاعات اسرائیل در یک سند محرمانه 10 صفحه‌ای به این صورت مطرح شد:

"1- به غیرنظامیان فلسطینی دستور دهید که شمال غزه را قبل از عملیات زمینی تخلیه کنند.

۲- عملیات زمینی متوالی از شمال تا جنوب غزه.

3- مسیرهای عبور از رفح پاک‌سازی شود.

۴- شهرهای چادری در شمال سینا ایجاد کنید و شهرها را برای اسکان مجدد فلسطینیان در مصر بسازید" (تاریخ 30 اکتبر 2023).

البته می‌دانیم که اجرای قسمت آخر این نقشه با سد دولت مصر که حاضر به راه دادن مردم فلسطین به خاک خود نبود، مواجه شد و عملی نگردید.

در رابطه با سود رسانی جنگ غزه علیه مردم فلسطین به امپریالیست‌ها باید به فاکتور فروش کلان اسلحه جهت به راه انداختن کشتار وسیع مردم نیز اشاره کرد که یکی از راه‌حل‌های امپریالیست‌ها برای رفع بحران‌های دائمی سیستم ظالمانه سرمایه‌داری امپریالیستی می‌باشد. در این زمینه بدون وارد شدن به توضیح مفصل و برشمردن سودهایی که کمپانی‌های اسلحه‌سازی برخی کشورهای امپریالیستی (علاوه بر کمپانی‌های آمریکائی) از جنگ علیه مردم غزه نصیب خود ساخته‌اند، تنها به این مورد بسنده می‌کنم که به گزارش (American friends service committee)، آمریکا از 7 اکتبر تا 25 دسامبر 2023 یعنی در طی حدود دو ماه و نیم، بیش از 10 هزار تانک اسلحه به اسرائیل فرستاد که شامل بیش از 15000 بمب و 50000 هزار خمپاره بود. از آن زمان به بعد نیز این امپریالیسم مرتب به ارسال وسایل مرگ به اسرائیل ادامه داده است. باید تأکید کرد که به واقع در رابطه با تصمیم به نسل‌کشی توده‌های بی‌سلاح فلسطین، صنایع نظامی امپریالیست‌ها جان تازه‌ای گرفته است.

لازم است به عنوان آخرین مورد یادآور شد که از دیرباز این باور به حق در میان توده‌ها و روشنفکران انقلابی و آزادیخواه خاورمیانه مطرح بوده است که دولت صهیونیستی اسرائیل سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا در این منطقه می‌باشد و تا زمانی که این دولت پابرجاست خاورمیانه همواره با جنگ و خشونت روبرو خواهد بود. امروز سگ زنجیری دیگر امپریالیسم آمریکا یعنی رژیم جمهوری اسلامی با ایجاد گروه‌های نیابتی خود و همچنین تقویت نیروهای مرتجع ضدخلق در این منطقه در یگانگی با دولت اسرائیل عمل کرده و منطقه خاورمیانه را به آشوب کشیده‌اند. در این اوضاع ظاهراً چشم‌انداز رهائی توده‌های خاورمیانه و از جمله خلق فلسطین از شرایط ظالمانه موجود بسیار تیره و تاریک جلوه می‌کند. اما قوانین دیالکتیک حتی با نگاه به واقعیت امور و روندی که در تاریخ و به طور مشخص در تاریخ مردم فلسطین طی شده است با قاطعیت این حکم را تأیید می‌کند که همانطور که وضع به همان صورتی که در گذشته بود باقی نماند، وضع کنونی نیز با همه دردناکی و مصیبت‌بار بودنش همیشگی نبوده و باقی نخواهد ماند. واقعیت این است که اگر از یک طرف عروج فاشیسم در دنیای سرمایه‌داری کنونی را تجربه می‌کنیم اما از طرف دیگر شاهدیم که جهان سرمایه‌داری نه فقط در میان بحران‌های ذاتی خود و تضادهای درونی فیما بین امپریالیست‌ها گرفتار آمده است بلکه با رشد و گسترش مبارزات توده‌ها در اقصی نقاط جهان علیه مناسبات ظالمانه موجود روبروست. با تکیه بر قدرت لایزال توده‌ها که همواره حرکت تاریخ را به جلو برده‌اند رشد و گسترش مبارزات توده‌ها در یکایک کشورهای موجود در خاورمیانه و انقلاب در این کشورها نیز سرانجام منجر به نابودی امپریالیسم و صهیونیسم به مثابه دشمنان اصلی مردم این منطقه و پیشروی تاریخ مبارزات طبقاتی خواهد شد. می‌دانیم که مردم آزاده و رزمجوی فلسطین همواره در کنار دیگر خلق‌های منطقه علیه دشمنان مشترک جنگیده و هرگز دست از مبارزه بر نداشته‌اند. این خلق برای رهائی باید به حق تعیین سرنوشت خود دست یابد که آن هم تنها در یک شرایط کاملاً آزاد و دموکراتیک امکان‌پذیر است؛ و این نیز بدون پیروزی در جنگ علیه امپریالیسم و صهیونیسم با رهبری طبقه کارگر در کل منطقه دست‌یافتنی نیست. این یک راه حل واقعی برای آزادی مردم فلسطین می‌باشد که البته ممکن است برای کسانی یک افسانه و خواب و خیال جلوه کند. اما اگر بپذیریم که تضعیف و بالاخره نابودی امپریالیسم و صهیونیسم به همت یکایک خلق‌های منطقه نه افسانه و خواب و خیال بلکه امری شدنی است باید به قول خود مردمان شجاع و مقاوم و امیدوار فلسطین بدانیم که ناشدنی برای این مردم حق‌دار مطرح نیست.